

[Afghanistan Digital Library](#)

adl0227

<http://hdl.handle.net/2333.1/j9kd51jh>

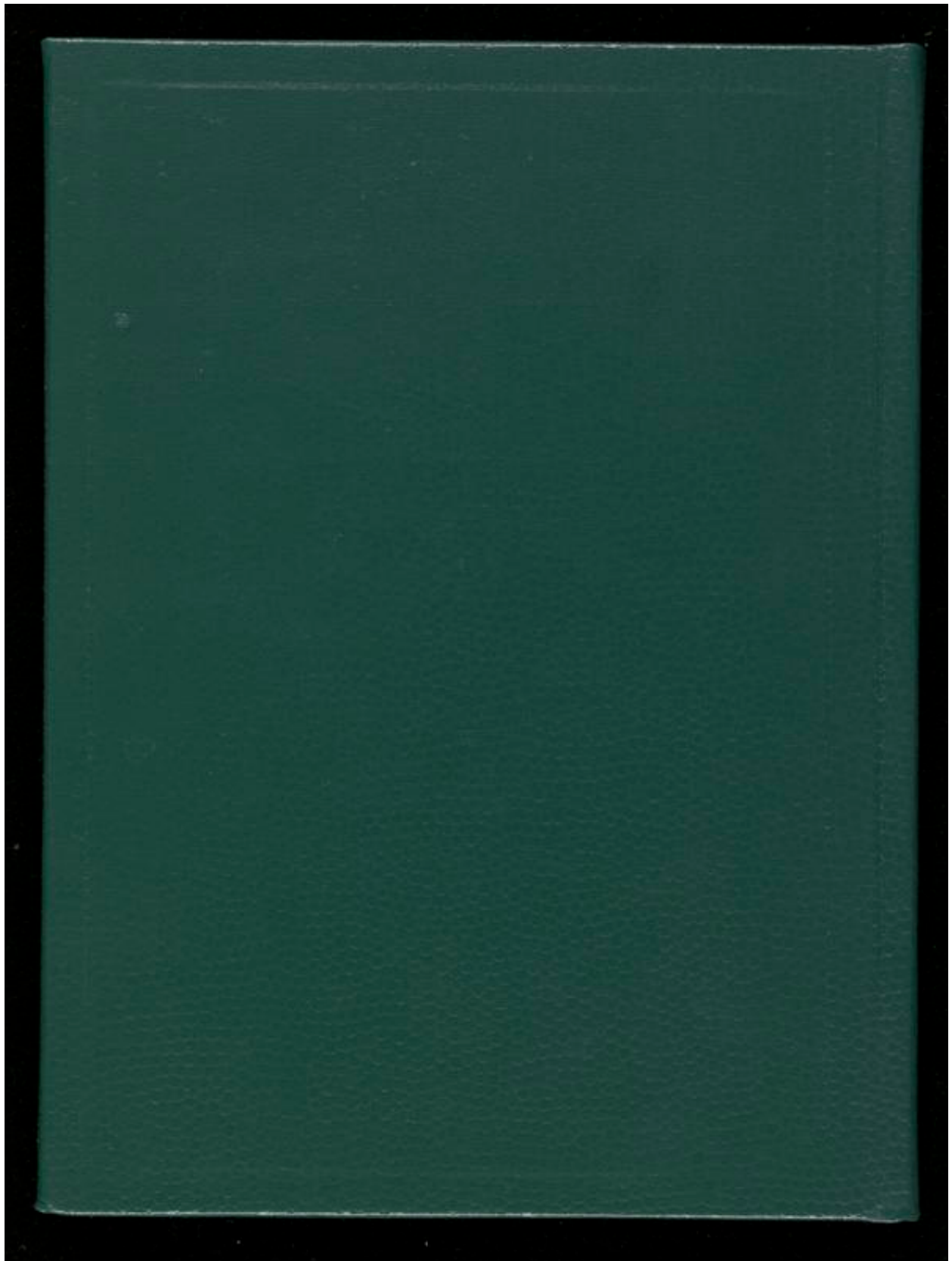


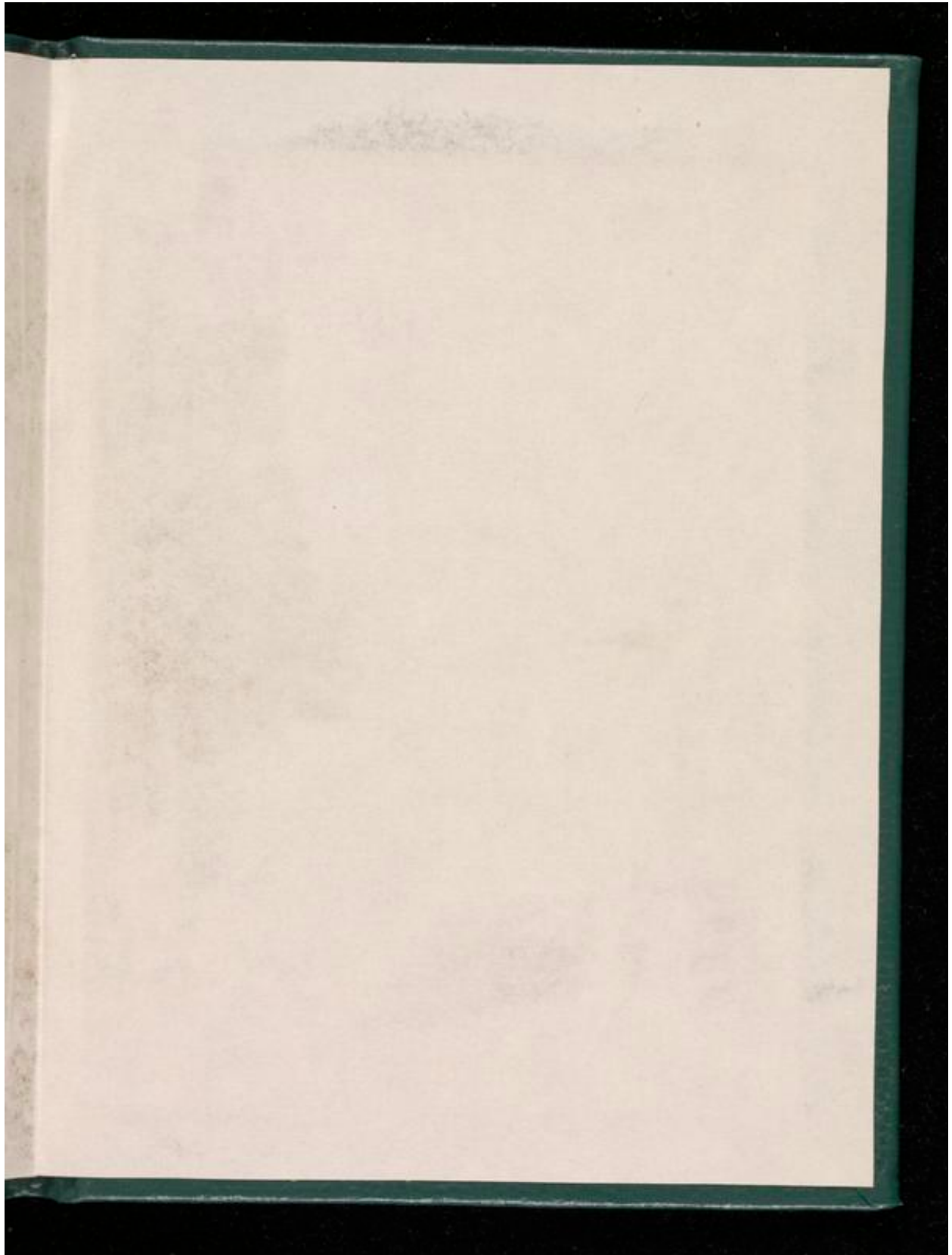
This is a PDF version of an item in New York University's Afghanistan Digital Library (<http://afghanistandl.nyu.edu/>). For more information about this item, copy and paste the "handle" URL above into a web browser.

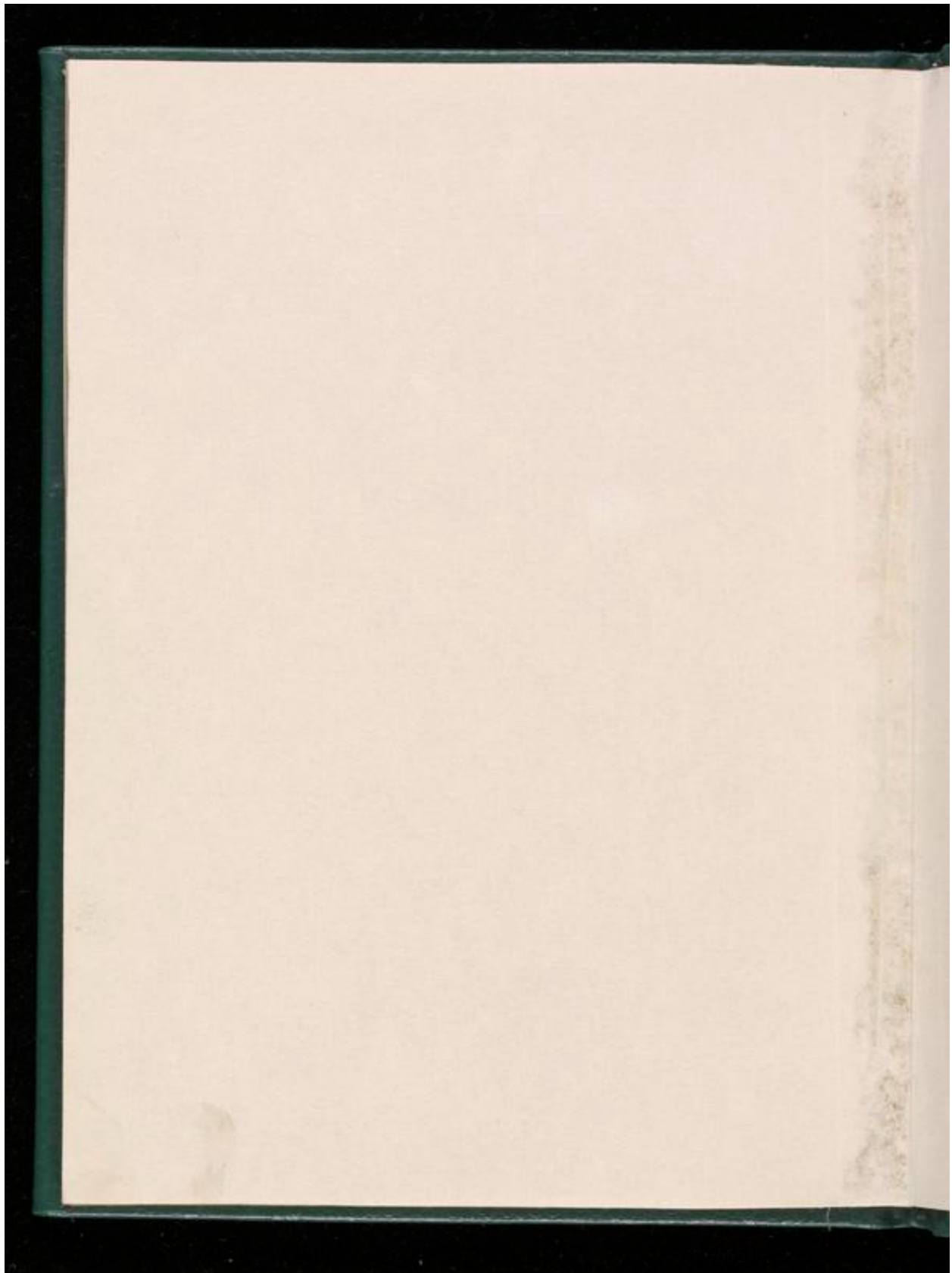
When referring to or citing this item please use the "handle" URL and not this document or the URL from which you downloaded it.

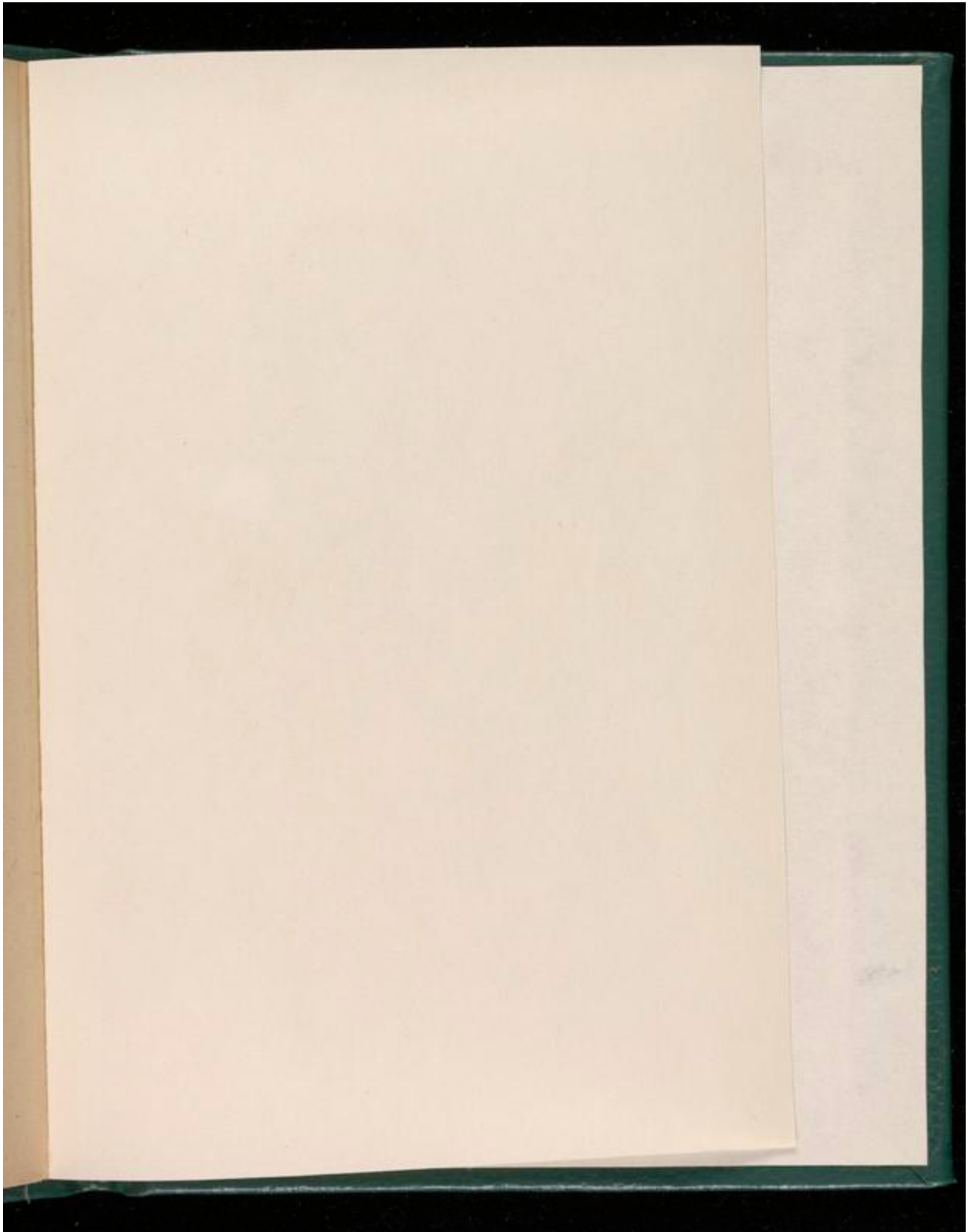
All works presented on New York University's Afghanistan Digital Library website are, unless otherwise indicated, in the public domain. The images available on this website may be freely reproduced, distributed and transmitted by anyone for any purpose, commercial or non-commercial.

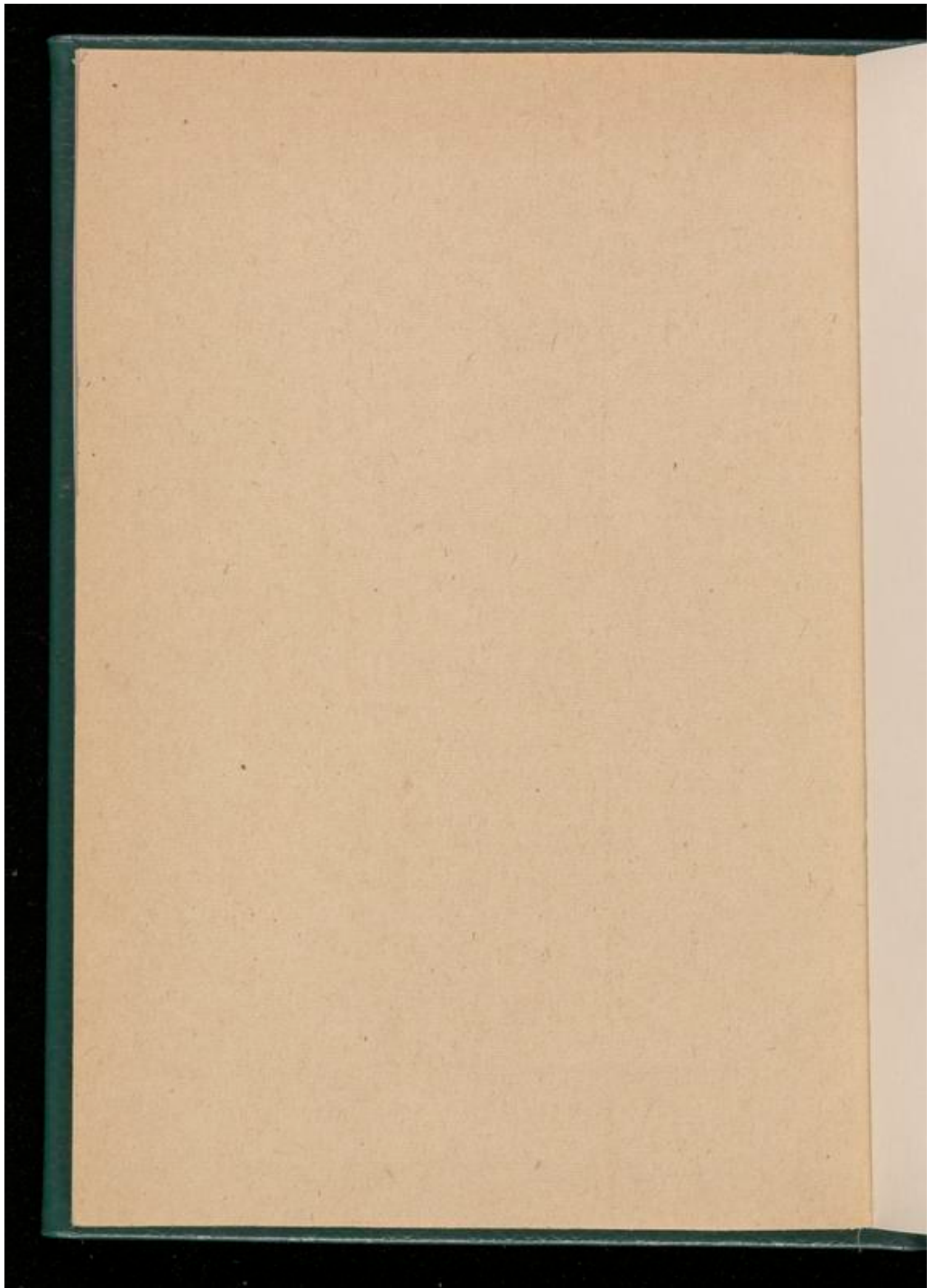
NYU Libraries, Digital Library Technical Services, dlts@nyu.edu

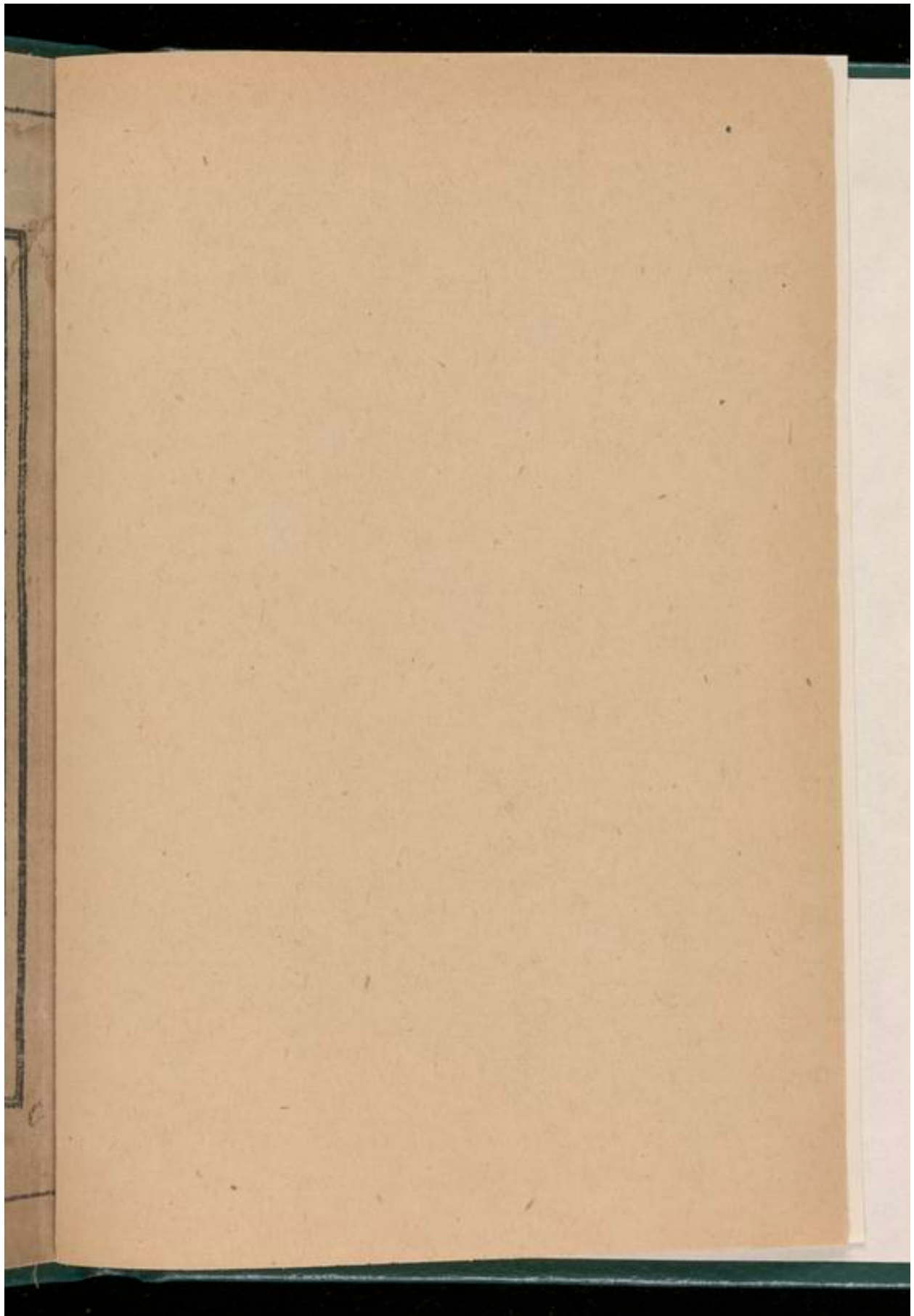












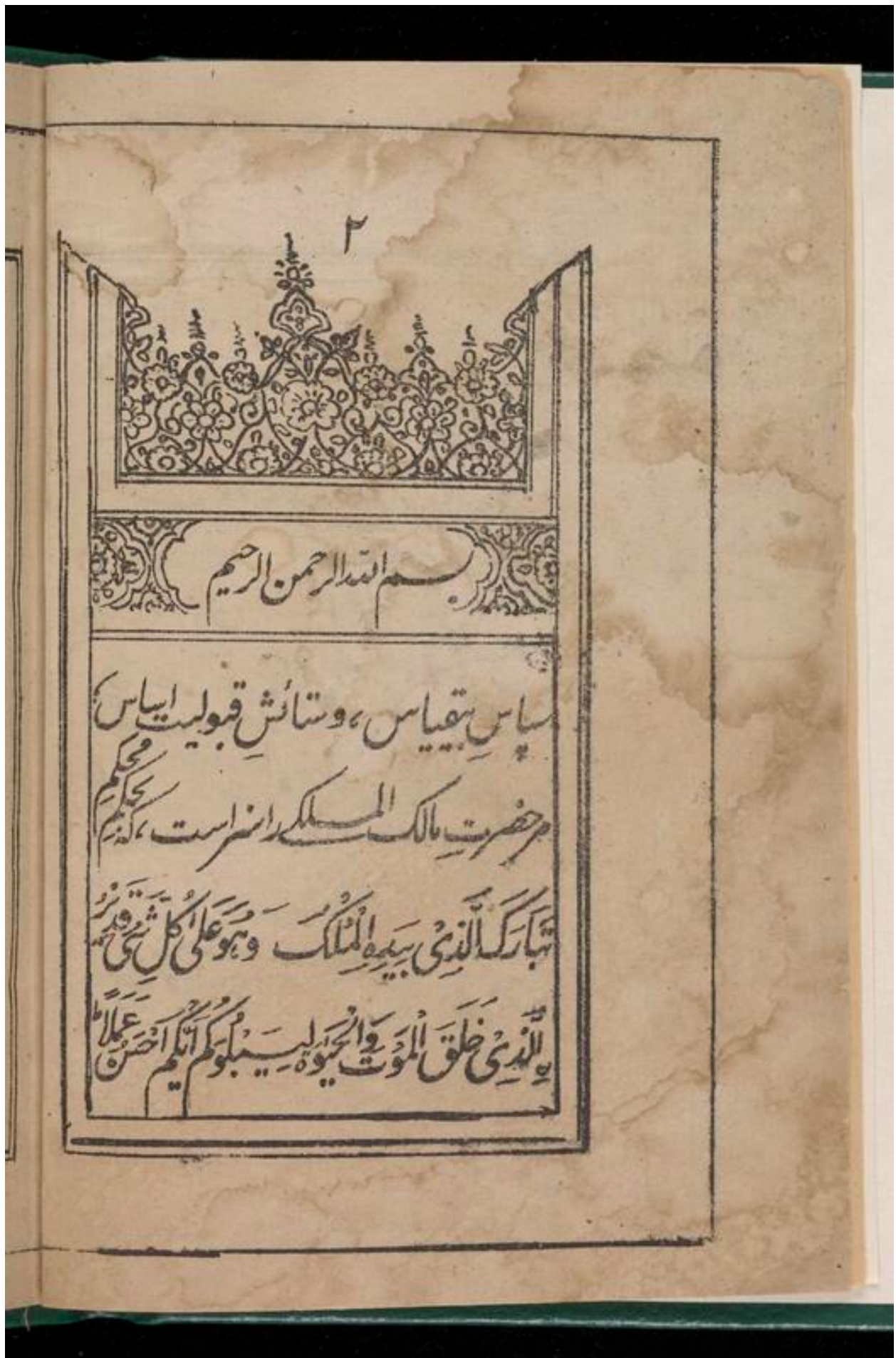
كُلُّ نَفْسٍ ذَائِقَةُ الْمَوْتِ

الغريبان والذائفان اهل حضرته كما عظم ايران رسالة

سورة المائدة طرية
قواعد حتمية لوقاية

سنة نظام فالجاء غزت فشان محمد سرور خان كليل كل رجا

در طبع دار السلطنة بل طبع



۳

فنا و موت را موعظه مسلمانان پاکدل گردانند
و نعمتِ ستوری قالبِ بدن بعد از فرقی
روح و روان، در کلامِ اعجازِ نشانِ خود بکرمیه
شم آما ته فاقره شمع از آتش انشیره منت نهاده است
و درودِ رحمت و ر و د میمنت نمود ام حضرت
پیغمبر را در خور است، که انداز و تحویل است
خیر الامم خود را بکلمه جامعۀ جَاءَ الْمَوْتُ بِمَا فَعَلُوا

۴

و حکمت لامعه اکثر واذکر یاد م اللذات الموت
فرموده . و طریق قرب درگاه خداوندی را
در جمیع اطوار بقا و قیام نهادن سنت پاک و سیر
مسلمه خود بقول و فعل عیان داشته است -
و بر آل طهارت مآل ، و اصحاب هدایت
نصاب او ، خصوصاً آن چهار جو به شریفین
و تحمیه گزینیان چهار بالش سلطنت دین متین

۵

که خلفای راشدین، و ائمه مجتهدین
و سایر تابعین، و اتباع ایشان الی یوم الدین
اما بعد - چون درین اوقات بمنیت
طبقات سرسلطنت بادیانت افغانستان
بجلوس سعادت مانوس اعلیحضرت پادشاه
دیانت آگاه اسلام پناه معدلت انقباه،
امیر بن الامیر بن الامیر بن الامیر

۶

سراج المله والدين امير حبيب الله خان

که یارب خطه این کشور دیانت اثر، حیطه

این مملکت ملت سیراد ظل حمایت پیرسا

بیخلل و سعادت آل راد، منقخر و مهابت

و از کمال فضل و مرحمت حضرت آله، این

پادشاه دیانت آگاه سلطنت دستگاه را

میل خاطر، و اشتیاق باطن و ظاهر، بجا

۷

پرویش دینِ مبینِ حضرت سید المرسلین

صلی اللہ علیہ وسلم و علیہم اجمعین، و ترجیح

طریقہ حق سننِ حسنہ دینیہ، و محو بدعات

شیعہ و نیت مانند آفتاب تابان، روشن و نمایان

از انجملہ بدعاتی چند، و رسوماتی ناسنہ

در باب تغزیہ اموات، و طریق دفن میت

و تغزیہ و صدقات خیرات، و در باب طہارت

صفحات مملکت رواج یافته بود؛ حضرت
پادشاه معظم الیه، قاضی محکمه شرعیه عالیه
و علمای حاضرین دربار شوکت مآخوذ
امر واجب الطاعه، و حکم واجب الاذمان
فرمودند، که احکام شرعیه تجزیه و تکفین و دفن
و تضریه و صدقه نمودن را بر اموات، مطابق
روایات قویه مذهب معتدب حنفی

۹

از کتب معتبره جمع نموده رساله مختصره می
بقواعد سراج الملتفی طریق التخریج
تالیف نمایند تا از حضور دیانت ظهور پادشاهی
نیز از آن نسخه از آن بقالب طبع رسیده و در
جميع بلاد ممالک محروسه فرستاده شده
امروالی الامر با اجرا و انفاذ آن داده شود تا طریق
سنت سنیه در کار اموات مغفرت آیات

۱۰

جاری، و اگر فقاری بدعت و طریقه
نامشروع بری و عاری باشد، لاجرم قاضی
شرعیست غرا، و علماء عظام مدوین
این رساله را در باب فریور از کتب معتبره
فقه شریف حنفی انتخاب نموده، به شرح باسم
سامی و نام نامی حضرت پادشاه اسلام پناه
سلطنت مقامی ساخته، معروض سلطنت

۱۱

داشتند - و ملازمان سرسلطنت ^{مطبع} مهتمین
دارسلطنت را بر چهار طبع آن حکام
حق سبحانه و تعالی توجیه خاطر سلطنت و خیال
این پادشاه دیانت کیش را بترویج و استحکام
دین حسین و شریع حسین پیشکش، و سایر
بهایایه و اسباب حفاظت جمیع اهل اسلام
از ضرر و مگانه و خویش محفوظ دارد؛ بمحمد صلی الله

۱۲

عليه وآله الامجاد، واصحابه الانجاد، برحمتك
يا ارحم الراحمين

هو الله تعالى شأ

برضما رخصلاص نظام برعایاے دولت
خدا و ادا افغانستان و ممالک محروسه آن منحنی
و پوشیده مباد اینکه - در خصوص مرده داری
قبل ازین سر رشته که موافق و مطابق شرع انوار

۱۳

و بهمه شمایان دانسته میبود، بدست شهاب شرح فارسی
و مفصل نبود، که بدانقرار رسول میشد
دوم اینکه خرج زیاد در مردانه و زنانه
بطریق سیال داری از طرف شخص مرده دارن میشد
که غم مرده داری از یکطرف، و غم اخراجات
مرده خانه و سیال داری از دیگر طرف، برآ
شخص مرده دار میرسد - و از سبب مخارج

۱۴

زیاد مرده داری تکلیف بسیار به شما
پیش میشد، و همین خرج سیال داری که بالا
شخص مرده دار بود، بدون از ضرر و اموری
و دنیوی منفعت نداشت - و بقبریه حکم
شرع انور این چنین خرج منع میباشد، بنابراین
برای سر رشته خبر کردن آمدن مردم و طریقی
تخصیص و تحجب نیز واسطاط و دفن مرده و بر

خدا و این، که از برای مرده لازم میشود، و غیره
امورات مرده داری موافق و مطابق شرع انور
رساله، یعنی این کتاب بشرح فارسی که مشتمل
بر سی و هشت قاعده میباشد، ساخته شد؛
که بدفع از رسول بدارند. و آنچه خلافت
شرع انور و کتابهای دینی است از شما
صادر نشود. تقسیم آگاهی بر لب شما تحریر فرمودم

و در خصوص خرج مرده دار کمی بطریق سیال داری
چای و نان و غیره خوردنیها باشد، مطلق
از طرف شخص مرده دار در مردانه و زنانه کرده نشود
و اگر خلاف حکم بپایونی در خرج مرده خانه نمود بودند
و ظالم گردید، هر قدر غریب که شخص مرده دار
در مردانه و زنانه کرده بوده و و چنانچه آنها
بطریق جرمه زجر از همان شخص مرده دار

گرفته میشود که تا دو بار دیگر ^{فقط} آنچنان

شروع قواعد سراج الملة فی طریق التعمیر

باب اول

مسئله جنازه و دفن و تعزیه مثل بر شازده قاعده

قاعده اول

چون مسلمانان بحکم محکم آیه کریمه کل نفس

ذاتة الموت اریق دارقار حلت نماید

۱۸

جائزست که بگردن او مسلمانان را خبر نمایند

که بر آن خواندن نماز بخازنه و دفن میت

حاضر شوند اما اوصاف میت را که عظمت

و بزرگی او از آن معلوم شود نگویند بلکه بگویند

محتاجی امیر ارمی جمیع جناب بایستگان او را



قاع دوم



برای مردم مسایه و خویش و قوم و آشنایان

۱۹

آن میت، از زنانه و مردانه جائزست؛ که
بجنازه و تغریه و تاسه روز بیایند. اما مردی
و جنازه و فاتحه خوانند آمد، و زنهاد جنازه
لازم ندارد؛ بفاتحه خانه زنانه خوانند آمد
اما اگر زن خاص جوان باشند، مادر و از
فاتحه خانه زنانه باید مرد محرمشان
با او شان همراه باشد، خود سر آمده نمیتوانند فقط

۲۰

قاعده سوم

نوحه و فغان، و بر روی زدن؛ و مو
کندن؛ یا بسینه و دیگر اعضا زدن نباشد
که حرام محض و گناه صرف است فقط

قاعده چهارم

تغزیه در روز اول بهتر است؛ و بعد از سه روز
مکروه است مگر شخصی که در سه روز غائب

۲۱

و یا و ش میت بعد از سه روز در جاس خود
حاضر شو. در صورت بعد از سه روز نیز جائز است فقط



قاعده پنجم



تشتن و ارثان میت براس تعزیه
تا سه روز جائز است فقط



قاعده ششم



تعزیه بر سر قبر و بد و از ده خانه و برای عام مکرر و ممنوع
عسقط

۲۲

قاعده ششم

اگر اهل ورثه واقربا بمیت خود وفات
نامشروع میگردند، بتغزیه رقتی انجامانند فقط

قاعده ششم

طریق تغزیه آنست، که چون دوزخ و زینت
میروند، بعد از اول سلام بفرمان سر
و حدیث مبارک، و اقوال و آثار صحابه کبار

۳۳

و مجتهدین رضی اللہ عنہم، و ارشاد متوفی

تسلیم و دجونی بکنند - و دعای مغفرت

برای میت، و اجر و صبر برای

ورثه او بکنند - و ورثه او را رغبت بصبر

و تسلیم و ضابطه قضا و قد خداوندی بنمایند فقط



قاعده پنجم



باید که میت را بصفه مسلمان و نیکو

۳۴

فقط
یا میکنند و بایمان و اسلام و شهادت بد

قاعده دهم

در وقت تغزیه اظهار تبسم و خوش حالی نموده
و اظهار غمی و خفگی نموده کم گوئی اختیار کنند فقط

قاعده یازدهم

بر همسایگان نزدیک، و خویشاوندان دور
اهل میت متحجب است، که در خانه های خود

۲۵

طعام نخچه براس کفایت یکشنبه روز ایل ^{مست}
بیرند- و در بسیاری و خوبی طعام مذکور از اند
عادت و دسترس خود با بیشتر تکلیف کنند-
و باعث شوند ایل میت را بخورون طعام
و مبالغه در این بکنند- که ایل میت از غلبه
غصه طعام میل نمیکند؛ زیرا که طعامی که
در مرده خانه تا سه روز نخسته شود مکروه ^{فقط}

۲۶

قاعده دوازدهم

نانِ نختن ابل میت، و چای و غیره
خور و نهبا، برای اغنیا و مستبرین
و غیره مردان و زنان که برای سیال داری
می آیند، مکروه است فقط

قاعده سیزدهم

نختن طعام در شب اقل، و شب سه

۲۷

و شب بخت، و برون طعام یا میوه جا

و تعلیات بر سر قبر، و مختار طعام

برای قاریان، یعنی حافظان

که قبضه اجرت بجهت سهم و سیالاری باشند

قاعده چهارم

و شباه جمعگی، و چهل، و عیدها،

و برات، که بر سهم سیالاری نایب میزند، و مردم

۲۸

اغیار میخوانند، چنانچه عادت اهل زمانه
حرام است، و شرعاً درست نیست فقط

قاعده پانزدهم

اگر ورثه میت صغیر باشد، اتمال متروکه او
بغیر از تکفین تحجب بیرون دین خرج کردن
روانیت، مگر که ورثه کبار او از خویش
بیت خیرات براس فقرایند

۲۹

در هر وقت جائز است فقط

قاعده شانزدهم

مستحب آنست که شب اول تائید تم
برای میرت بقدر دسرس خیرات و صدقه
بکنند - و فقرا بدهند، و ترک نکنند و اگر
ورشه بعضی صغیر باشد، باید ورشده با
از مال خود بکنند - و از حصه صغیران نگیرند

۳۰

و اکثر در نهایت از برای فقرا و مساکین

طعام پخته کنند - و در آن صغیر نباشد

خوب و درست است، و اگر بعضی از

صغیر باشد، ساختن طعام از متروکه در آن فقط

باب دوم

مسئله اسقاط - مشتمل بر یک قاعده اینک

میرگاه شخصی فوت شد، و بر ذمه او نماز

۳۱

وروزه و کفارت و غیره فرائض و واجبات
فوت شده باقی مانده بود که الحال سبب موت
از قضاے مافات عاجز آمده است
و آن میت وصیت کرده باشد که فدیه نماز
وروزه فوت شده او را بدهند شرعاً وصیت او
تا سیه یک مال متروکه او نافذ است پس
واجب است بر ورثه او که فدیه نماز

۳۲

فرض، و وثر، و روزه فرض، و واجب،
و ندور، و کفارات را از ثلث مال متروکه
بطریق اسقاط بر آن فقر و مساکین بدهد
و فدیة هر نماز، و فدیة روزه یک روزه، مقدار
صدقه فطراست - و هرگاه آن میت صحت
نکرده باشد، و یا از میت خیر مال متروکه
نمانده باشد، اسقاط کردن بالا ورش و نیت

۳۳

و همچنین اگر وصیت کرده باشد، و ثلث مال او
از برای فدیة صلوة و صوم و سایر حقوق
واجبه فوت شدگی او کفایت نکند، بروش
لازم است که ثلث مال استقاط نمایند
و فدیة بدینند؛ و اضافه بر این واجب نیست
و هرگاه دین سه صورت ورثه میت اینست
خود یا استقاط کرده فدیة حقوق فائده مرده

۳۴

مذکور را بطریق شش بدیند جائز و مستحسن
و مستحب است، و طریق استقاط و دو روز چنان
که اول نمازها و روزها و غیره حقوق فائز
حساب کرده، یعنی از عمر مرد دو وزده سال
و از عمر زن نه سال را کم کرده باقیمانده آنرا
جمع کرده، همان مقدار سال را اگر موجود باشد
همراه کلام الله شریف یا بدون کلام الله را

۳۵

مساکین بده، و بگوید؛ که اجوز فدیہ صوم
و صلوة، و سایر واجبات فائزہ اینقدر رسالہ
این میت حاضر و یا اگر غائب باشد
فلانی ابن فلانی، کہ الحال از سبب موت
از قضاے مافات عاجز آمدہ است؛
برائے تو دادم، و شخص گیرندہ بگوید قبول
کردم، و قبض نماید؛ و اگر مقدار فدیہ مافات

۳۶

میسر نشود، بلکه مال اندک حاضر باشد، حساب
کرده شود که همین مال موجوده فدیه چقدر و
میشود. بعد بطریق دوره همان مال را همراه
کلام الله شریف یا بدون کلام الله شریف
بعوض فائده همانقدر مدت که حساب کرده شده بود
بمستحق بدهد - و او قبول و قبض کند مستحق دیگر
بطریق فدیه بدهد؛ و او قبول و قبض کند مستحق دیگر

۳۷

بقرار شرح فوق بدهد - و همچنین تا که حیلۀ شعی
از برابر حقوق و ذمت کی میت بطریق دونه
کامل و برابر شود - که حضرت خداوند جل
غنی و رحیم و غفور و کریم است - و امید
است که قبول شود؛ انشا الله تعالی فقط



باب سوم



در طریقی غسل و کفن میت و میتۀ متعل به بنیاده قاعده

۳۸

قاعہ اول

مردہ را بہ تختہ انداختہ کہ پاس او بطرف قبلہ

باشد لباس او را کشیدہ بر عورت اولنگ

انداختہ اول اسپند و یا عود را دود کند

مگر طاق کہ یا سه دفعہ باشد یا پنج دفعہ فقط

قاعہ دوم

اول استنجای کلنج وادہ پس استنجای آب بد

۳۹

تا خوب پاک شود - مگر نیست که شخص غافل

بدست خود لاته را یا خریطه چسبیده در دست

استنجای میت دست بر ساه فقط

قاعده سوم

بعد از استنجا، غاسل دست خود را

وضوء کرده را بسازد - بدون مضمضه

و استنشق فقط

۴۰

قاعده چهارم

بعد از اتمام وضو، بنای غسلی نماید؛ باین
گرم معتدل، که نه بسیار گرم بود و نه بسیار سرد

قاعده پنجم

ابتدای غسل از پهلو راست شود
که مرده را بطرف پهلو چپ مایل نموده
آب را از سر مرده انداخته تا پاها و برساند

۴۱

بعد پهلوی چپ بقاعده مذکور عمل نماید
یعنی مرده را به پهلوی راست مایل نموده
بطرف راست او سرتاپا پای آب بیزاند
بعد از آن بسرور و وسینه و شکم او آب
انداخته تاپا پای او برسانند و شکم مرده را
بسر می مالیده؛ اگر چرخ فضلیات خارج
شود بشوید - و جای استنجای مزیت را

۴۲

نیز بشوید - و میباید که خریده بدست غاسل^{شده} باشد
و بعد از آن سر و شانها را بمرده را بنهری
گرفته قدری را و را بلندتر بکنند، که پشت
و کمر و سر و سینه او نیز شسته شود - و آب
و دستمال در آن بدهد تا غسل کامل شود فقط

قاعده ششم

چون غسل و فدا و قل بنا بر قاعده پنجم تمام شد

۴۳

در دفعه دوم باید که آبیکه در آن بگ مودیا آشنا
و غیره اشیا که چرک را دور میکنند، جوش داده باشد
یک دفعه غسل بطریق قاعده مذکور به بدنه فقط



قاعده هفتم



در مرتبه سوم، بار غسل با آب خالص مانند قاعده
عمل نماید، که سه دفعه پوره شود. بعد از اتمام غسل
سه دفعه به بسیار نرمی دست خود را بر شکم میت بکشد

۴۴

که اگر چیز برآمد باز بشوید - و اعاده غسل نکنند فقط

قاعده ششم

چون از غسل فارغ شد مرد و زن را از تحته بالا کرد

بناگه بیکدیگر و یا پیچید و یا چیزی را یکدیگر خشک کرد

در کفن بکشد و مرد و سر کفن را بسته بکند فقط

قاعده هفتم

اگر مرد و زن مسلمان بالغ بود، یا مرأیق باشند

۴۵

سه کفن کند، اول قمیص، که از گردن تا قدم بود
دوم ازار، که از ستر تا پای بود، سوم خا
که نیز از ستر تا پای بود، و لفافه و ازار بای
که یک قبضه از طرف سروپای اضاف
بود که بعد از پوشاندن کفن جمع کرده بسته کنند فقط

قاعده دوم

باید که در کفن مرده زیادت و نقصان نشود

۴۶

و باید که همان جنس لباس که اکثر اوقات

در حیات خود می پوشید، کفن او از همان

جنس باشد، و اگر سفید باشد بهتر است فقط

قاعده یازدهم

در مواضع سجود مرده و کفن او کافور و غیره خوب

انداخته، بعد کفن را بسته کند؛ مواضع سجود؛

پیشانی، و بینی، و هر دو کف دست،

۴۷

ودوزانو، و دوپای میباش فقط

قاعده دوازدهم

اگر مرده زن بود، و بالغه و مسلمه یا مرته بود

باید کپنج کفن کنند قمیص، و لحافه، و ازاد

تبرار کفن مرده مردانه باشد، و اضافه بر آن

دو تنگه دیگرست، که یکی آن سینه بند است

که عبارت از یک خرقه است، که سینه

۴۸

و پستان مرده را بآن بسته میکنند - دوم چهار دک
که عرض آن بقدر یک وجب، و طول آن
بقدر دوزرع شریعت - که سر مرده بآن
بسته میشود، باقی ترتیب کافور و غیره بقرار
قاعده سابق باشد، که در غسل مردانه ذکر یافت
وزرع شرعی قدر عرض دست و چهار انگشت
میباشد - اندازه خرقه که سینه بند گفته شود، طول

۴۹

نه زرع شرعی، و عرض از زیر بغل تا سینه ^{فقط}

قاعده سیزدهم

اگر مرده صغیر که بالغ و مراهق نباشد، یک

کفن کافیست - نه سه تکه حاجت و لازمت

و پنج تکه؛ اگرچه از جنس دختر و یا بچه باشد فقط

باب چهارم

مسئله بر دین بر که مشتعل بر نه قاعده است

۵۰

قاعد اول

چون از تکفین و تحمیز و غسل و استسقاء و دفن
صلوة جنازه بر طسریقه مشرعه فارغ شوند
و بر بدن میت را بقبر براراده نمایند
مستحب و مستحسن آنست که باتفاق
اهل میت و اقربا و همسایگان و اهل گنبد
میت بقبرستان همراه جنازه بروند

که رفتن همراه جنازه از نمازِ نفل بهتر است فقط

قاعده دوم

باید که در برابر کردنِ سبّابِ دفنِ مرده

تعجیل و چاکلی نمایند، که مستحب است؛

اما آنقدر چاک بر روند، که بمیت آسب

از حرکتِ آنها نرسد؛ و نیز بر مردمان

که در عقبِ جنازه میروند تکلیف نشود فقط

۵۲



قاعده سوم



در وقت بردن میت بسوی قبرستان
بهتر آنست که در عقب جنازه بروند
و قتیکه بقبرستان رسیدند جنازه را بطرف
قبله قبر نهاده مرده را از طرف قبله داخل ^{کنند}



قاعده چهارم



در وقت نهادن مرده بقبر گوید که بسم الله

۵۳

و باشد و خنکاک، و علامه رسول الله
سلماناک، و در و سه مرده را بطرف قبله^{بچینند}
و کفن را که از طرف سر و پا سه مرده بسته
شده بود باز نمایند، و بعد از بسته کردن قبر
اولا خاک را از طرف سر میت سه بار انداخته
بعد از آن همان خاک که از قبر کشیده
شده بود بر قبر بیندازد، و قبر را بمثل کوهان^{باشند}

۵۴

بسا زنده که بلندی او یک و جبے یا اندک
بلند تر باشد مستحب است، و زیاده از خاک
مذکور نیست از زنده که مکروه است فقط

قاعده پنجم

انک شستن بعد از دفن بعد از پنج یک شتر
و قسمت کردن گوشت آن از برای سه عا
و یا از برای سه قرات قرآن مستحب است

۵۵

و نیست باک بپاشیدن آب قبر
بعد فراغ دفن، که تا خاک آویخته نشود



قاعده ششم



چهرتی قبر بقدر نصف قامت ضرورت
و اضافه از این تا بقدر قامت درست است
و اگر زمین سخت باشد لحد ساخته شود
و اگر زمین نرم باشد شق کرده شود و مستحبت

۵۶

که بعد از دفن، اول آن سرسوره بقره را بخوانند فقط



قاعده هفتم



رقین نهاده و بردن آتش، و نیمه دیرین قبر نهادن

و بویا و غیره خیر را که بطریق فشرش بین قبر انداخته

شود، و مرده را بالا بر او گذاشتن بایست فقط



قاعده هشتم



بعد از فراغ دفن و دعا، و قرائت قرآن بایست

۵۷

باید که متفرق شوند. اهل میت یکجا خود و دیگر
مردم یکجا خود مشغول شو، و در باب میت و قبا
الی سیم تقریر تفصیل مکرر فوق معمول خواهند
شد فقط



قاعده پنجم



دفن نمودن میت، در مقبره بهمان جائیکه
فوت شده باشد بهتر است، و هرگاه بیک
شهر و ولایت قبل از دفن برده شود

۵۸

باک نیست، و ترک او اولیست؛ و بعد
از دفن مکروه است، و روانیست فقط



اعلام حضور انور



و قواعد تعزیه داری بقرار فوقست که مذکور شد
و بعد از دفن مکروه بقرار شرحی که در قواعد
فوق مذکور شده، مرد یا متفرق میشود
و صاحب مرد که بخانه خود میاید و

۵۹

گلیمداری خود را با نیت سیرت میکند، که
از مردانه و زنانه قومی واقربا و همسایه ها
از صبح الی آفتاب گشت، که آفتاب گشت
مراد از نصف روز است، مردانه و زنانه بقدر
تفصیل قواعد فوق، بشرخصیکه برضای خود
برای فائده آید، آمده فائده
و برونید و بعد از آفتاب گشت که مراد از

۶۰

روز است منعت، که بمرده خانه نروند، و با
سر اصیح تا آفتاب گشت که مراد از صفت و
میباشد بروند، مدعا که تا سه روز بهین ترا
معمول بدازند. و چای و نان و غیره
خورنیه، و چای مطلق از طرف مرده داد
انه و زنانه موقوفست، که خرج چای
سره خورنیه و چای مطلق نشود.

و اگر شخصی از اقربا و قومی یا همسایه

اهل مرده خانه برضای خود می شیند

خوراک خود را آنچه بکار او شود از خود کند و ببرد و

از طرف مرده و زنانه تحلیف نیست و اینکه

اقوام مرده دار از خانه خود

آوردن نان شان کمی غیبا شد

تا سه روز از اقوام او در خانه مرده

۶۲

از خانه خود نان و چای و علم و غیره خوردنی

بخواهد، و مرده در برابر سچکس نه نان

و نه چای و نه علم و نه غیره خوردنی بدهد

و در مرده خانه از طرف مرده در چای و نان

دادن و علم دادن و غیره خوردنیها

موقوف است، و اگر شخص مرده را

بکم نموده بود، بقرار اعلام ابتدا

۶۳

کتاب هند بازخواست وار و خط

احکام حضور علی حضرت والا

این رساله شریف، و مجموعه نفیس، است
بقواعد سراج المله فی طریق التعمینیه که مشتمل است
بر یک دیباچه، و یک اعلان، و چهار باب، که باب
اول مشتمل بر شانزده قاعده است، و باب دوم
قواعد علی محمد ندارد، و مسئله متعلقه آن در خود باب
باب سوم مشتمل بر نیر و قاعده، باب چهارم مشتمل
نه قاعده، و یک اعلام حضور، که جمله در

۶۴

و ابواب واعلام مذکور، از صفحه اول — صفحه
شصت و دوم که جمله بی و یک ورق میشود، مندرج
حسب الاحکام حضور علیا حضرت مابواسطه
علمای پایتخت عالی بخت دارالسلطنه کابل
از کتابهای فقه شریف حنفی تالیف گردیده
و جمع شده در چهار چاه خانه سنگی دارالسلطنه
و در اخیر هر رساله مذکوره بهر حسب الفهرست
الملک و الدین مهر شده و فرین گردیده، بر همه مسلمان
رعایای صاوة دولت متبوعه
خصوصاً لازم است که بقرار قواعد احکام
الحمل بیاورند، و از حکم و لازما

۶۵

که موافق کتابهای فقه شریف است مخالف و انحراف
نورزند و اگر کسی از رعایای دولت علیه
خلافت احکام مذکور را نموده در مرده داری خود را خارج
غیر مشروع کرده بود و ثابت شد البته با نقض احکام
که نموده باشد بطریق مجرمه از بها شخص گرفته خواهد بود

خاتمه

این رساله هدایت ترسد که از توجهات بها
شهریار اسلامیهان علیت سرعیت پیروید

۶۶

تاجم البین صلی الله علیه وسلم، قانع البدعة محی
پادشاه اسلام و اسلامیان، در دین، مربی اقوام
و افغانیان اعظم حضرت سراج المله و الدین خلد
ملک و سلطان، پادشاه خود مختار و ولایت افغانستان
و کرستان و نورستان غیره نوابات و لواحقان آن
اکابر و علمای عجم افغانستان کما به افقه شریف
حق تعالی یستدین گردید، و محض این را و عجمی رعایا
شاهانه خدمت خود در چهار چوبه خاندان سلطنت
دادند، بسی و استقامت تیرین خدمتگاران
کارخانه جات بخط افغانیه علی اصراری
الدور ۱۳۳۶ هجری زیو طبع پوشید.

